

عبدالحسین جواهر کلام، قم، انصاریان، ۱۴۲۴ق؛ تنقیح المقال فی علم الرجال: المامقانی (م. ۱۳۵۱ق.)، نجف، المرتضویه، ۱۳۵۲ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ رجال طوسی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش قیومی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ رجال النجاشی: النجاشی (م. ۴۵۰ق.)، به کوشش شبیری زنجانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام: علی ربانی خلخالی، مکتب الحسین علیه السلام، ۱۴۲۵ق؛ الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش الرجائی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۹ق؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش جلالی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ عباس رجل العقيدة و الجهاد: محمد علی یوسف الاشیقر، به کوشش محمد صادق، محبین، ۱۴۲۲ق؛ العقد الفرید: احمد بن عبد ربه (م. ۳۲۸ق.)، به کوشش مفید قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق؛ عمدة الطالب: ابن عنیه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش آل الطالقانی، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ الفتوح: ابن اعثم الکوفی (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ الکنی و الالقاب: القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، تهران، مکتبه الصدر؛ المجدی فی انساب الطالبیین: علی بن محمد العلوی (م. ۷۰۹ق.)، به کوشش المهدوی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۹ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ مع ركب الحسين من

المدينة الى المدینه: محمد امین الامینی، قم، کوثر غدیر، ۱۴۲۳ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ مقاتل الطالبیین: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، به کوشش سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفه؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ نهایة الارب: احمد بن عبدالوهاب النوبری (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق.

سید محمود سامانی



أم جمیل: همسر ابولهب، از آزار

دهندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ام جمیل دختر حرب بن أمیة بن عبد شمس، خواهر ابوسفیان و همسر ابولهب^۱ عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. نام او را آروی^۲، فاخته^۳ یا عوراء^۴ نوشته‌اند. برخی بر این باورند که عوراء (زن یک چشم) لقب او است^۵؛ زیرا ابولهب وی را به سب شرکت در توطئه قتل

۱. الطبقات، ج ۸، ص ۵۰.

۲. غوامض الاسماء المبهمة، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. من له رواية فی مسند احمد، ص ۶۲۱.

۴. اعلام الوری، ج ۱، ص ۸۷.

۵. فتح الباری، ج ۸، ص ۵۶۷.

خطاها^{۱۲} یا بخل او به سبب گردآوری هیزم به رغم ثروتمند بودنش دانسته‌اند.^{۱۳} درباره شأن نزول آیه بعد: در گردنش طنابی از لیف خرما است: ﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ﴾ (مسد/۱۱۱، ۵) آورده‌اند که دشمنی را به آن جا رساند که از هیچ گونه بذل مال دریغ نداشت و گردن‌بند گرانبهای خود را فروخت تا هزینه این دشمنی کند.^{۱۴} همچنین برخی گردن‌بندی از لیف خرما را کنایه از زنجیر^{۱۵} و عذابی می‌دانند که گردن‌گیر وی خواهد شد.^{۱۶}

نزول این آیات، دشمنی او را دو چندان کرد. در حالی که در یک دست سنگ و در دست دیگر احشای گوسفند داشت^{۱۷}، با خواندن سروده‌هایی به قصد جسارت وارد مسجد الحرام شد؛ سروده‌هایی همچون: «مُدْمًا ابینا و دینَه قَلینا و أمره عَصینا»^{۱۸} (پیامبر ﷺ) نکوهش شده‌ای است که از پذیرفتن سخنانش سر باز زدیم و دینش را دشمن شمردیم و از فرمانش سر پیچیدیم). با این که پیامبر ﷺ در حجر اسماعیل حضور داشت، وی نتوانست

پیامبر ﷺ سخت تنبیه کرد و بر اثر آن یک چشمش نابینا شد.^۱ از دیگر القاب او «عَجوز قُریش» است.^۲ ام جمیل از شاعران جاهلی به شمار می‌رفت.^۳ نام فرزندان وی عْتبه، مُعتب^۴، عْتَبیه^۵، خالده^۶، عَزَه و درّه^۷ است.

او از دشمنان پیامبر ﷺ است که دو آیه درباره کارهایش ضد پیامبر ﷺ نازل شده است. در آیه نخست، از وی با عنوان ﴿حَمَّالَةَ الْحُطَبِ﴾ (مسد/۱۱۱، ۴) یعنی زن هیزم‌کش یاد شده است. معنای ظاهری این لقب، حمل هیزم و خاشاک و قرار دادن آن بر سر راه مسلمانان و خانه پیامبر ﷺ است.^۸ شاید نیز نوعی مجاز به معنای سخن‌چینی باشد؛ زیرا او همسایه رسول خدا ﷺ بود^۹ و پیوسته گزارش‌های پیامبر ﷺ را به سران قریش می‌رساند^{۱۰} و با هدف آسیب رساندن به شخصیت رسول خدا ﷺ به سخن‌چینی می‌پرداخت.^{۱۱} برخی نیز این عنوان را کنایه از حمل بار گناهان و

۱. ربیع الابرار، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. ربیع الابرار، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. بلاغات النساء، ص ۴۰.

۴. اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۶۶.

۵. تاریخ دمشق، ج ۳۸، ص ۳۰۳.

۶. الطبقات، ج ۸، ص ۵۱.

۷. الطبقات، ج ۸، ص ۵۰.

۸. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

۹. اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۳۱۶.

۱۰. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

۱۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۸؛ جوامع الجامع، ج ۳، ص ۸۷.

۱۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۷۹.

۱۳. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۲۶.

۱۴. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۶.

۱۵. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۷۹.

۱۶. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۷.

۱۷. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۵۳۲؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۵۱.

۱۸. مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۷.

خشم او گرفتار نشده‌ای: ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ پاسخی به سخن وی دانسته شده است.^۹ دشمنی ام جمیل و همسرش برای پیامبر ناگوارتر جلوه می‌کرد، به عللی همچون: خویشاوندی خانوادگی، همسایگی با پیامبر ﷺ^{۱۰} و نیز تندروی آن‌ها در این دشمنی، خواه از جهت زبانی و خواه از جنبه عملی، مانند ریختن خار و خاشاک^{۱۱} و شکمبه گوسفند^{۱۲} در برابر منزل پیامبر و مسیر ایشان. خود پیامبر درباره همسایگی او و نیز عقبه بن ابی معیط* می‌فرمود: دو همسایه من بدترین همسایگان بودند.^{۱۳} نیز ایشان ﷺ از آزارهای این دو به فرزندان بنی عبد مناف شکایت برد.^{۱۴} در تأیید تاریخی آزارهای این دو همسایه به پیامبر ﷺ، از قطعه سنگی با عنوان «مُحْتَبَى»* به معنای پناهگاه در خانه پیامبر یاد کرده‌اند که در ابعاد یک ذراع در یک ذراع و یک وجب و ارتفاع آن از زمین به گونه‌ای بوده که یک انسان می‌توانسته زیر آن پناه بگیرد.^{۱۵} کاربرد این سنگ، محافظت در برابر سنگ‌پرانی‌های

ایشان را ببندد و در سخنانی که با یکی از همشینیان پیامبر ﷺ داشت، به تهدید و پرخاش پرداخت.^۱ آورده‌اند که علت این ندیدن، اموری از این دست بوده است: حایل شدن جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام میان او و رسول خدا ﷺ^۲، پدید آمدن حجایی زرد رنگ^۳، تصرف در بینایی ام جمیل^۴ یا تلاوت آیه ﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾ (اسراء/۱۷، ۴۵) از جانب پیامبر ﷺ^۵ برخی این رخداد را در خانه‌ای نزدیک کوه صفا دانسته‌اند. این رویداد مورد توجه دلایل‌نگاران نیز قرار دارد.^۶ نه تنها ام جمیل، بلکه مشرکان قریش، پیامبر ﷺ را مُدَمَّم خطاب می‌کردند. رسول خدا ﷺ در این زمینه فرمود: خداوند نام مرا از ذهن آن‌ها پاک کرده است. از این رو، آن‌ها مرا چنین می‌نامند؛ در حالی که نام من محمد است.^۸ وی پیامبر ﷺ را ترک شده به دست خداوند دانست. نزول آیه ۳ ضحی/۹۳ که می‌گوید: پروردگارت وحی را از تو قطع نکرده و به

۹. جامع البیان، ج ۳۰، ص ۴۴۳.
 ۱۰. اخبار مکه، فاکهی، ج ۵، ص ۳۱۶؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۵۰.
 ۱۱. تفسیر تعلیمی، ج ۱۰، ص ۳۲۷؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.
 ۱۲. الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۱.
 ۱۳. الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۱؛ السیرة الحلبیه، ج ۱، ص ۵۰۸.
 ۱۴. الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۱.
 ۱۵. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶؛ بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۷.

۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۲۸؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۲۵۱.
 ۲. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۸۶.
 ۳. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۹.
 ۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۳۹.
 ۵. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۴۷۲؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۷.
 ۶. تفسیر مقاتل، ج ۳، ص ۵۳۲.
 ۷. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۹۵.
 ۸. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۵۹.

از پیامبر ﷺ برخاسته، توطئه را خنثا کند. این توطئه با هوشیاری ابوطالب ناکام ماند^۶ و ابولهب در پی آگاهی از نقش همسرش، چنان ضربه‌ای به او زد که یک چشمش کور شد.^۷ او در راه مبارزه با پیامبر ﷺ حتی از دخالت‌های خانوادگی خودداری نکرد و دو فرزند خود، عتبه و مُعتب را که شوهران دو دختر پیامبر یعنی زُقیه و اُم کَلثوم* بودند، با سوگند خوردن وادار کرد تا آن‌ها را طلاق دهند.^۸

سرانجام ام جمیل پس از نبرد بدر به سال سوم ق.^۹ در مکه درگذشت. ثعلبی (م. ۴۲۷ق.) بر آن است که در یکی از روزهایی که او برای گردآوری خار و خاشاک و ریختن بر سر راه پیامبر ﷺ به بیابان رفته بود، خستگی بر او چیره شد. پس بر سنگی نشست و در این هنگام، فرشته‌ای از پشت او را فشرد و به هلاکت رساند.^{۱۰}

ام جمیل در عرب مثلی برای زیانکاری است: «أَخْسَرُ مِنْ حَمَّالَةِ الْحَطَبِ: زیانکارتر از ام جمیل»^{۱۱} در ستیزها و احتجاج‌های سیاسی و

این همسایگان بوده است؛ هر چند برخی چنین کاربردی را مردود دانسته‌اند.^۲

به اعتقاد برخی، ازدواج ام جمیل با ابولهب که از موارد کم‌شمار پیوند دو خاندان اُموی و هاشمی به شمار می‌رود،^۳ عاملی مهم در فاصله گرفتن ابولهب از پیامبر ﷺ و قرار گرفتن او در جبهه دشمنان ایشان بوده است تا جایی که ابولهب قوانین قبیله‌ای را نیز زیر پا گذاشت و با این که از بنی هاشم بود، از حضور در شعب ابوطالب* همراه خاندان خود، خواه مسلمان و خواه مشرک، سر باز زد و حتی دیگر افراد بنی هاشم را به حمایت نکردن از پیامبر ﷺ در این رویداد تشویق می‌کرد.^۴

افراط‌های ام جمیل، گاه واکنش ابولهب را نیز در بر داشت. برای نمونه، ام جمیل همراه دیگر سران قریش در توطئه قتل پیامبر دور از چشم ابولهب شرکت داشت. از سوی ابولهب عموی پیامبر ﷺ و از قبیله بنی هاشم بود و کشته شدن برادرزاده‌اش در همسایگی وی، مایه عار و ننگ ابدی او به شمار می‌رفت. در این توطئه، وظیفه ام جمیل خوراندن شراب به ابولهب در روز موعود بود^۵ تا نتواند به حمایت

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶؛ بخار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۷.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۴۶.

۵. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۶-۲۷۷.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ بخار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۷. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ بخار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۹؛ المعجر، ص ۵۳.

۹. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

۱۰. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

۱۱. مجمع الامثال، ج ۱، ص ۲۵۶.

خانوادگی شخصیت‌هایی چون عقیل بن ابی طالب^۱ و عبدالله بن زبیر^۲، اطلاق عنوان ﴿حَمَّالَةَ الْحُطْبِ﴾ بر ام جمیل که عمه معاویه بود، از سرزنش‌هایی بود که نثار معاویه می‌شد.^۳

◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۱ق.)، به کوشش علی عمر، مکتبه الثقافة الدینیة؛ اخبار مکه: الفاکهی (م. ۳۵۳ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، النهضة الحدیثه، ۱۴۰۷ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛ اعلام السوری: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، قم، آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۱۷ق؛ امالی: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حلبی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۳ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ بلاغات النساء: ابن طیفور (م. ۳۸۰ق.)، قم، مکتبه بصیرتی؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم): ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به کوشش اسعد محمد، صیدا، المکتبه العصریه؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن

عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان: مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق.)، به کوشش احمد فرید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، دار المعرفه، بیروت؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق؛ ربیع الابرار: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)؛ السیره الحلبیه: الحلبی (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ العقد الفرید: احمد بن عبد ربه (م. ۳۲۸ق.)، به کوشش مفید قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق؛ الغارات: ابراهیم ثقفی الکوفی (م. ۲۸۳ق.)، به کوشش المحدث، بهمن، ۱۳۵۵ش؛ غوامض الاسماء المبهمه: خلف بن عبدالملک بن بشکوال (م. ۵۷۸ق.)، به کوشش عزالدین علی السید، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۰۷ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ مجمع الامثال: احمد بن محمد المیدانی (م. ۵۱۸ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، بیروت، دار المعرفه؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتیر،

۱. الغارات، ج ۲، ص ۵۵۳؛ الامالی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. العقد الفرید، ج ۴، ص ۱۰۱.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۸؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۸، ص ۳۴۷۳.

بنی‌امیه، به اسلام گروید.^۷ به سال پنجم بعثت، در هجرت دوم مسلمانان به حبشه شرکت کرد^۸ و در آن‌جا دارای دختری به نام حبیه شد. از این رو، به ام حبیه مشهور گشت.^۹ بر پایه گزارش‌هایی، عیبدالله اسدی در حبشه مرتد شد و به آیین مسیح درگذشت.^{۱۰} برخی بدون اشاره به ارتداد او، بیماری را علت مرگش دانسته‌اند.^{۱۱} ام حبیه که زنی بیوه بود، همچنان بر اسلام خود ماند.^{۱۲}

رسول خدا گویا برای دلجویی از ام حبیه، به سال ششم^{۱۳} یا هفتم ق. در نامه‌ای که به دست عمرو بن امیه ضمیری برای نجاشی* پادشاه حبشه فرستاد، از او خواست ام حبیه را برای ایشان خواستگاری کند.^{۱۴} نجاشی به دستور پیامبر ﷺ رفتار کرد و با فرستادن کنیزی به نام ابرهه نزد ام حبیه، خواستگاری رسول خدا را به او خبر داد. آورده‌اند که ام حبیه به

۷. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۰.
 ۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۹۸.
 ۹. المحبر، ص ۸۸؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۹۸.
 ۱۰. السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۰۳.
 ۱۱. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۶۳.
 ۱۲. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۸؛ المحبر، ص ۷۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.
 ۱۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۲؛ المحبر، ص ۸۸؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۸۴.
 ۱۴. المغازی، ج ۲، ص ۷۴۲؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۸؛ الاصابه، ج ۸، ص ۸۰.

بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ مسند الحمیدی: عبدالله بن زبیر الحمیدی (م. ۲۱۹ق.)، به کوشش الاعظمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق؛ من له روایة فی مسند احمد: محمد بن علی بن حمزه (م. ۷۶۵ق.)، به کوشش عبدالمعطی، کراچی، جامعه الدراسات الاسلامیه.

حامد قرائتی



اُمّ حبیه: از همسران پیامبر ﷺ و دختر ابوسفیان

رمله^۱ یا هند^۲ مشهور به ام حبیه، دختر ابوسفیان صخر بن حرب اموی است.^۳ مادرش صفیه بنت ابی‌عاص نیز به بنی‌امیه نسب می‌برد.^۴ گزارشی نامشهور مادرش را آمنه بنت عبدالعزی بن حرثان از بنی‌عدی بن کعب از تیره‌های قریش دانسته است.^۵ وی ۱۷ سال پیش از بعثت در مکه زاده شد^۶ و در آغازین سال‌های بعثت همراه شوهرش، عیبدالله بن جحش اسدی، عمه‌زاده پیامبر ﷺ و هم‌پیمان

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۷۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۰۱؛ الثقات، ج ۳، ص ۱۳۱.
 ۲. امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۶۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.
 ۳. السیره النبویه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۶-۷۸؛ الطبقات، خلیفه، ص ۶۲۲.
 ۴. المحبر، ص ۸۸؛ الثقات، ج ۲، ص ۱۳۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۷.
 ۵. المستدرک، ج ۴، ص ۲۰.
 ۶. الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۰؛ امتاع الاسماع، ج ۶، ص ۷۳.